روند مهاجرپذیری و مهاجرفرستی شهرهای ایران در دو دههٔ اخیر[۱]

اصغر ضرّابی*، حمیدرضا رخشانی‌نسب**

طرح مسئله: *یکی از نتایج شهرنشینی شتابان، افزایش مهاجرت[1] به کانون‌های شهری و شکل‌گیری بحران روستاگریزی در کشور است. این مسئله مشکلات متعدد اقتصادی ـ اجتماعی همچون کمبود زمین و مسکن، اشتغال، شکل‌گیری سکونت‌گاه‌های غیر رسمی و ... را در شهرهای مهاجرپذیر به دنبال دارد.*

روش: *روش انجام این پژوهش «توصیفی ـ تحلیلی» است که با استفاده از داده‌های سرشماری نفوس و مسکن سال‌های ۸۵ -۱۳۶۵ انجام شده است.*

یافته‌ها: *یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد در دو دههٔ مورد مطالعه، مهاجرفرستی[2] شهرهای ایران کاهش یافته و نسبت شهرهای مهاجرپذیر افزایش قابل توجهی پیدا کرده است.*

نتایج: *در دو دههٔ اخیر شهرهای طالخونچه، خراجو، کومله، راین، عسگران، جوپار، جیرنده، نافج، جوشقان و کامو، نوخندان و دهاقانبه به دور از جریان‌های مهاجرتی بوده، ۱۷۱ شهر با مهاجرپذیری[3] شدید، ۷۰۲ شهر با مهاجرپذیری ضعیف، ۱۶ شهر با مهاجرفرستی شدید و ۱۱۲ شهر کشور با مهاجرفرستی ضعیف مواجه بوده‌اند.*

کلیدواژه‌ها: شهرنشینی شتابان، شهرهای ایران، مهاجرت، مهاجرپذیری، مهاجرفرستی.

تاریخ دریافت: ۸۶/۱۱/۲۰ ***تاریخ پذیرش:*** ۸۸/۷/۵

۱ـ برگرفته از پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد

* دکتر برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، دانشگاه اصفهان <aszarrabi@yahoo.com>

** دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه اصفهان

1. migration 2. emigration 3. immigration

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

مقدمه

امروزه برخی از مسائل و مشکلات کشورهای در حال توسعه را به چگونگی مهاجرت‌های داخلی آن‌ها نسبت می‌دهند (زنجانی، ۱۳۷۱). همه ساله میلیون‌ها نفر از جمعیت روستایی در کشورهای در حال توسعه، تصمیم به مهاجرت به نواحی شهری این کشورها می‌گیرند (Zhigang & Shunfeng, 2006). از نظر تاریخی، مهاجرت نقش مهمی در فرآیند شهرنشینی در برخی از کشورها بازی می‌کند و پیامدهای منفی را در شهرها به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه به دنبال داشته است (Lall & et al, 2006). در واقع مهاجرتی که خود بر اثر بسیاری از عوامل به وجود می‌آید، علتی می‌شود تا به عدم تعادل بیش‌تر در سطح مسائل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی یک کشور کمک کند (مشهدیزاده دهاقانی، ۱۳۷٤).

در ایران افزایش مهاجرت‌های روستایی و گسترش شهرنشینی، بازتاب فضایی تحول در سازمان‌یابی تولید و به‌طور مشخص بازتاب بسط سرمایه‌داری پیرامونی است (مرتضوی تبریزی، ۱۳۸۳) که بیش‌تر سبب دگرگونی روابط شهر و روستا و جابه‌جایی‌های جمعیتی از روستا به شهر و از شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ شده است (ابراهیم‌زاده و نصیری، ۱۳۸٦). به‌گونه‌ای که گسترش روزافزون شهرنشینی در نتیجه عدم تعادل‌ها و پاگرفتن جابه‌جایی‌های جمعیتی به منظور برقراری تعادل‌های فضایی، منتهی به عدم تعادل‌های ناحیه‌ای گردیده و نتیجهٔ آن تشدید جابه‌جایی‌ها و مهاجرت‌های داخلی با هدف رساندن مهاجران به شهرهای بزرگ و به‌ویژه به تهران بوده است (جوان، ۱۳۸۰).

در سطح کلان مهاجرت به شهرها در ایران اجتناب‌ناپذیر است. بنا بر میراث توسعهٔ فضایی دوگانه (خواه بنا بر تخصیص منابع تبعیض‌آمیز یا تمرکزگرایی توسعه و خواه بنا بر رخدادهای تاریخی، تفاوت‌های طبیعی و تنگناهای زیست‌محیطی) و با چشم‌انداز تشدید آن در اثر جهانی‌شدن اقتصاد، چنین استنتاج می‌شود که جریان‌های مهاجرتی کنونی کشور، حداقل برای مدت مدیدی ادامه خواهند داشت (صرّافی، ۱۳۸۱). بنابراین بررسی روند

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

مهاجرپذیری و مهاجرفرستی شهرهای ایران، تعیین جریان کنونی مهاجرت در شهرهای کشور و شناسایی شهرهای مهاجرپذیر و مهاجرفرست به منظور اتخاذ سیاست‌های مناسب برای جلوگیری از مهاجرفرستی و تعدیل مهاجرپذیری شهرها، از ضرورت و اهمیت قابل توجهی برخوردار است.

چارچوب نظری

مهاجرت شکلی از تحرک جغرافیایی یا مکانی جمعیت است که بین دو واحد جغرافیایی انجام می‌گیرد. این تحرک باید به تغییر محل اقامت معمولی فرد از مبدأ یا محل اقامت قبل از مهاجرت وی، به مقصد یا محل اقامت جدید بینجامد (زنجانی، ۱۳۸۰). مهاجرت پدیده‌ای است که به شدت تحت تأثیر اوضاع و احوال اقتصادی و اجتماعی قرار می‌گیرد (زنجانی، ۱۳۷۱). بر مبنای ادبیات تئوریک، یک عامل نمی‌تواند به عنوان نیروی منفردِ مؤثر بر مهاجرت مورد مطالعه قرار گیرد (Mendola, 2007) بلکه مهاجرت در پاسخ به دامنۀ گسترده‌ای از عوامل، با اثربخشی متفاوت بر مردم رخ می‌دهد و لزوماً همۀ مردم به شیوۀ مشابهی نسبت به آن‌ها واکنش نشان نمی‌دهند (Parnwell, 1993). در واقع کارکردهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، جمعیّتی، ارتباطی، اداری و غیره در مهاجرت و شکل‌گیری آن مؤثر هستند (ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۰).

در زمینۀ مهاجرت و به‌ویژه مهاجرت‌های داخلی، نظریه‌های مختلفی از سوی صاحب‌نظران ارائه شده است. نظریه‌پردازان وابستگی، مهاجرت از روستا به شهر را در کشورهای جهان سوم پدیده‌ای جدید در ارتباط با گسترش سرمایه‌داری وابسته در این کشورها می‌دانند. این نظریه‌پردازان و محققان به عامل دافعۀ جمعیت باور دارند و علت مهاجرت را عمدتاً نابرابری سطح توسعۀ روستا و شهر می‌دانند (لهسائی‌زاده، ۱۳۶۸).

«اورت لی» (Everett Lee) معتقد است چهار دسته عوامل به مهاجرت تأثیر می‌گذارند: ۱) عواملی که در مبدأ اثر می‌کنند، ۲) عواملی که مربوط به مقصد هستند، ۳) عواملی که

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

مربوط به بین مبدأ و مقصد هستند، ٤) عواملی که مربوط به خصوصیات شخصی می‌باشند (آقاجانیان، ۱۳٦۸: ۲۲۱). نظریهٔ وی به تئوری عوامل دافعه و جاذبه معروف است و بر آن اساس در صورتی که برآیند عوامل برانگیزنده و بازدارنده مثبت باشد، میل به مهاجرت در فرد ایجاد می‌شود و اگر چنانچه عوامل شخصی بتواند این تمایل را از بین ببرد و موانع موجود در جریان مهاجرت نیز تأثیر بازدارنده‌ای اعمال نکند، مهاجرت عینیت می‌یابد و فرد حرکت خود را از مبدأ به مقصد آغاز می‌کند (سازمان ملّی جوانان، ۱۳۸۱).

براساس نظریهٔ راونشتاین (Ravensteins)، قوانین مهاجرت را می‌توان به صورت زیر خلاصه نمود:

۱) **فاصله و مهاجرت:** شدّت مهاجرت بین دو نقطه با فاصلهٔ آن دو رابطهٔ معکوس دارد و با طولانی‌تر شدن فاصلهٔ بین مبدأ و مقصد دو گرایش ضمنی در مهاجران ایجاد می‌شود: الف) استقرار در نقاط شهری به‌ویژه در شهرهای بزرگ، ب) مهاجرت به سوی قطب‌های صنعتی و تجاری.

۲) **مرحله‌ای بودن مهاجرت:** مهاجرت از روستا به شهرهای نزدیک‌تر و کوچک‌تر و سپس به شهرهای بزرگ‌تر و قطب‌های صنعتی و خدماتی انجام می‌گیرد. در نتیجه نوعی مرحله‌بندی مهاجرت از نقاط کم‌جمعیّت و کم‌ترفعال به نقاط پرجمعیت و فعال‌تر وجود دارد و این جریان تا زمانی که نیروهای جاذبه‌ای در آن‌ها موجود باشد، ادامه می‌یابد.

۳) **تاب‌ها و بازتاب‌های مهاجرت:** گرچه مهاجرت بیش‌تر از نقاط روستایی به نقاط شهری و از شهرهای کوچک‌تر به شهرهای بزرگ‌تر انجام می‌گیرد، جریان وارونه‌ای نیز از شهرهای کوچک‌تر و از نقاط شهری به نقاط روستایی وجود دارد.

٤) **ارتباطات و مهاجرت**: ارتباطات و توسعهٔ آن، شناخت مهاجر از محیط خود را افزایش می‌دهد. بنابراین رابطهٔ مستقیمی بین آن دو ایجاد می‌شود. به عبارت دیگر هر چه ارتباطات گسترش یابد، مهاجرت‌ها نیز رو به افزایش می‌گذارد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

۵) **برتری انگیزۀ اقتصادی در مهاجرت**: راونشتاین بی‌آن‌که از سایر عوامل مؤثر بر مهاجرت غفلت کند، بر نقش عوامل اقتصادی در شکل‌گیری، رشد و استمرار مهاجرت‌ها تأکید دارد و آن را مهم‌ترین عامل برانگیزندۀ مهاجرت‌ها می‌داند (زنجانی، ۱۳۸۰).

«دیوید مک‌کلند» (D. Mclelland) نیز با طرح الگوی اقتصادی «انگیزۀ پیشرفت»[1] یا «نیاز به پیشرفت»[2] مدّعی است که هم در جوامع سنّتی و هم در جوامع مدرن، نتیجۀ توسعه نیاز به پیشرفت است (طاهرخانی، ۱۳۸۲). گری. ال. هانت (G. L. Hunt) در مقالۀ خود با عنوان «تعادل و عدم تعادل در مدل‌سازی مهاجرت» معتقد است؛ در بسیاری از مفاهیم اساسی مهاجرت توجه به دو واژۀ تعادل و عدم تعادل بسیار حائز اهمیت است. تئوری‌های عدم تعادل، مهاجرت را ناشی از عدم تعادل بین مناطق می‌دانند. در این مدل فرض می‌شود که تفاوت‌های فضایی در فرصت‌های اقتصادی، منجر به بروز توانایی‌های فضایی متفاوتی در سطح مناطق می‌گردد؛ بنابراین مهاجرت پاسخی به این تفاوت‌هاست. تفاوت‌های فضایی توسط گراوز (Gravse) به عنوان «مدل‌های عدم تعادل» معرفی شده است. هانت معتقد است که در برابر مدل‌های عدم تعادل، مدل‌های تعادل مطرح هستند. طی پنجاه سال گذشته مدل‌هایی به سرعت گسترش یافته‌اند که تفاوت در برخورداری از تسهیلات رفاهی را عامل مؤثر در مهاجرت‌های روستا- شهری می‌دانند. در این بینش فرض می‌شود که تفاوت‌های فضایی در فرصت‌های اقتصادی تماماً و یا در مقیاس وسیعی توسط تفاوت‌های فضایی در برخورداری از تسهیلات رفاهی مناطق قابل توجیه است. در مدل تعادل، مهاجرت منتج از تغییرات تقاضا در جهت استفاده از تسهیلات رفاهی است (Hunt, 1993 به نقل از طاهرخانی، ۱۳۸۱).

1. achievement motivation
2. need for achievement

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

تودارو و همفکرانش نظریهٔ درآمد مورد انتظار مهاجر در مقصد را ارائه کرده‌اند. مدلی که تودارو ارائه می‌کند چنین است که تصمیم به مهاجرت از روستا به شهر تحت تأثیر عمل‌کرد دو متغیر اصلی دفع و جذب است: ۱) تفاوت فاحش بین درآمد شهر و روستا، ۲) احتمال دست‌یابی به نوعی اشتغال در شهر. تودارو چنین فرضی را صحیح می‌داند که در برابر امکان انتخاب بی‌کاری در شهر و یا روستا، یک روستایی، بی‌کاری در شهر را برگزیند؛ چرا که آیندهٔ شهر چشم‌انداز روشن‌تری نسبت به روستا تصویر می‌کند (پاپلی‌یزدی و رجبی‌سناجردی، ۱۳۸۲).

مدل کامل هاریس ـ تودارو، تعمیم سادهٔ مدل‌های مبادلهٔ نئوکلاسیکی دوبخشی سنتی را ارائه می‌دهد. در این مدل نسبت متغیر تکنولوژی‌های تولید صنعتی و کشاورزی در بخش‌های شهری و روستایی، قواعد رفتاری نئوکلاسیکی برای تعیین سطوح عامل به کار رفته و بازده در هر بخش و مکانیزم نظریهٔ مبادلهٔ سنتی برای تعیین رابطهٔ مبادله بین کالاهای کشاورزی و صنعتی وجود دارد. اما این مبادلهٔ مهاجرت است که ویژگی منحصر به فرد و نوگرایانه‌ای به مدل کلی می‌دهد. هاریس و تودارو از مدل مهاجرت توأم با مدل مبادلهٔ داخلی خود برای استنتاج رهنمودهایی که جنبهٔ سیاست‌گذاری برای کشورهای در حال توسعه را دارد، استفاده می‌کنند. ابتدا آنان اثرات رفاهی شقوق مختلف سیاست‌های اشتغال شهری (از جمله کمک‌های بلاعوض مزدی یکسان برای همهٔ بخش‌ها یا بخش خاص، توسعهٔ تقاضای شهری و محدودیت مهاجرت) را ارزیابی می‌کنند. دوم آنان به اهمیت اساسی تعیین مزد شهری، سیاست‌های قیمت‌گذاری کالاها و برنامه‌های توسعهٔ روستایی در سطوح نسبی محصول، رابطهٔ مبادله و به تخصیص نیروی کار میان‌بخشی به عنوان یک نتیجه‌ای که موجب ترغیب مهاجرت می‌شود، توجه می‌کنند. مهم‌تر از همه این‌که مدل هاریس ـ تودارو نشان می‌دهد، افزایش سریع ایجاد مشاغل شهری ممکن است سطح بی‌کاری را افزایش دهد (تودارو، ۱۳٦۷).

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

گردن دی جانگ و فاوست (G. D. Jong and Fawcett) همانند تودارو درآمد مورد انتظار مهاجر را تعیین کنندۀ تصمیم به مهاجرت می‌دانند. مدل آن‌ها، مدل ارزش انتظاری مهاجرت نامیده شده و در این مدل ارزیابی واقعی و ارزش ذهنی که فرد تصمیم به مهاجرت می‌گیرد، انتظاراتی است که مقصد مهاجر را برای دست‌یابی به این انتظارات در داخل و یا خارج از ناحیه تعیین می‌کند (Weinstein & et al, 2001). پائول نوکس و لیندا کارسی (P. Knox and L. M. Carthy) در مورد عواملی که زمینه را برای مهاجرت‌های روستایی- شهری فراهم می‌کنند، توضیح می‌دهند و معتقدند که ساکنان روستایی دارای درآمد اندک برای جستجوی درآمد بیش‌تر و وضعیت بهتر، از روستا به سمت نواحی شهری جابه‌جا می‌شوند. مهاجر برای پیدا کردن شغل بهتر و دست‌رسی به ساختار مدرن و سایر خدماتی که در ناحیۀ روستایی به سادگی قابل دست‌رسی نیست، تمایل به نقل مکان دارد. به نظر نوکس و کارسی مهاجران آگاهی کافی در مورد فرصت‌های اشتغال یا فرصت‌های موجود در شهر ندارند اما آن‌ها از نومیدی به سمت امید حرکت می‌کنند (Knox and Carthy, 2005).

مهاجرت‌های داخلی در ایران، اغلب متأثر از دیدگاه‌های نظریه‌پردازان وابستگی است. در همین زمینه فرّخ حسامیان نظریۀ تأثیرات متقابل شیوۀ تولید سرمایه‌داری و شیوۀ تولید ماقبل سرمایه‌داری را مطرح می‌کند. در این نظریه علت مهاجرت جمعیت، کاهش امکانات اشتغال در یک منطقه و افزایش آن در منطقه‌ای دیگر است که خود محصول تغییر و تحول سازمان‌یابی تولید در آن منطقه می‌باشد. به نظر وی این تغییر و تحولات در شرایط خاصی، منتج از تأثیرات متقابل شیوۀ تولید سرمایه‌داری و شیوه‌های تولید ماقبل آن است (حسامیان و همکاران، ۱۳۸۳).

پیشینۀ مطالعه

در زمینۀ مهاجرت‌های داخلی در ایران، پژوهش‌های متعددی انجام شده است. در نمونه‌هایی از پژوهش‌های مورد نظر، صرافی (۱۳۸۱) با اثبات تداوم مهاجرت‌های روستایی

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

ـ شهری در ابعاد کلان، میانه و خرد، معتقد به روی‌آوری مدیریت شهری به شیوه‌های نوین ادارهٔ شهر است که مشارکت فراگیر اجتماعات محلی و نهادهای مدنی را موجب می‌شود و سبب توانمندسازی مهاجران و یکپارچه‌سازی آنان با شهر و فرهنگ شهری خواهد شد. عظیمی (۱۳۸۱) با طرح پدیدهٔ روستایی‌شدن شهرها و با استفاده از آمار و اطلاعات پایه‌ای، نشان می‌دهد که مهاجرت بر خلاف تصور، پدیده‌ای منفی نیست و زندگی اکثر مهاجران پس از مهاجرت به شهر بهبود یافته است. طاهرخانی (۱۳۸۱ الف) عوامل مؤثر در مهاجرت‌های روستا- شهری استان قزوین را با تأکید بر جوانان روستایی مورد بازشناسی قرار داده و به این نتیجه دست یافته که اگرچه انگیزه‌های اقتصادی در مهاجرت جوانان روستایی نقش مهمی دارند، عوامل غیر اقتصادی نیز اثرات مستقیم بر رفتار جوانان می‌گذارند. مکانیکی و قالیبافان (۱۳۸۲) اثرات مهاجرفرستی بر ساختار جمعیت مناطق روستایی شهرستان بیرجند را بررسی نموده و نتیجه می‌گیرند که جمعیت‌زدایی غیر بیولوژیک (ناشی از مهاجرت‌های روستایی) باعث تشدید روند تخلیهٔ روستاها به‌ویژه روستاهایی که در طبقهٔ جمعیتی کم‌تر از ۵۰ نفر جای دارند، شده است. تخلیهٔ روستاها و مهاجرت‌های شدید روستایی باعث برهم‌خوردن تعادل فضایی بین فضاهای شهری و روستایی شده و شهرگرایی و گسترش بی‌رویهٔ شهرهای ناحیهٔ بیرجند نمود بارز این فرآیند است. مهدوی و همکاران (۱۳۸۳) با مشخص نمودن پهنه‌های طبیعی آسیب‌پذیر مناطق روستایی استان زنجان، به این نتیجه دست یافته‌اند که روستاهای واقع در این پهنه‌ها بیش‌ترین حجم مهاجرت را داشته و نتیجهٔ این روند منجر به بلا استفاده شدن منابع طبیعی و انسانی گردیده و مشکلات شهری فراوانی را ایجاد نموده است. قرخلو و حبیبی (۱۳۸۵) مهاجرت را در ارتباط با سطح توسعه‌یافتگی استان‌های کشور با استفاده از تکنیک‌های برنامه‌ریزی تحلیل نموده و دریافته‌اند که رابطه‌ای معنادار میان توسعه‌یافتگی و مهاجرت در استان‌های کشور برقرار است. وارثی و سروری (۱۳۸۵) ارتباط متقابل توسعه، مهاجرت و شهرنشینی را در ایران مورد بررسی و تحلیل قرار داده و نتیجه می‌گیرند که توزیع جمعیت در کشور متناسب با توان‌های محیطی نیست.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

یافته‌های پژوهش حاضر بیان‌گر افزایش نسبت مهاجرپذیری شهرهای ایران در دو دهۀ اخیر است. در دهۀ ۸۵ -۱۳۷۵، ۸۷۳ شهر کشور با مهاجرپذیری مواجه بوده و ۱۱۸ شهر کشور مهاجرفرست هستند که ۱۶ شهر آن‌ها در قلمرو شهرهای بسیارکوچک[1] ایران به شمار می‌روند. بنابراین، اتخاذ سیاست‌های مناسب برای تعدیل جریان‌های مهاجرتی شهرهای کشور، حائز اهمیت اساسی است.

روش مطالعه

نوع مطالعه و روش اجرا

با توجه به موضوع پژوهش، رویکرد حاکم بر این پژوهش «توصیفی ـ تحلیلی» است. اطلاعات مورد نیاز (تعداد جمعیت شهرها) از نتایج تفصیلی سرشماری‌های نفوس و مسکن کشور طی سال‌های ۸۵-۱۳۶۵ گردآوری شده است. در این پژوهش ابتدا نرخ رشد طبیعی جمعیت شهرها در طول دو دهۀ ۷۵-۱۳۶۵ و ۸۵-۱۳۷۵ محاسبه گردیده و سپس از طریق اعمال تعداد جمعیت هر شهر در آغاز و پایان هر دهه، ضریب مهاجرپذیری و مهاجرفرستی شهرهای ایران مشخص شده است.

ابزار مطالعه

تعیین ضریب مهاجرپذیری و مهاجرفرستی شهرهای کشور، با بهره‌گیری از فرمول‌های زیر محاسبه شده است (شفقی و همکاران، ۱۳۸۳: ۲۲):

۱) شهرهای مهاجرپذیر $\frac{p_t + n}{p_t} > (1 + r)$

۲) شهرهای به دور از جریان‌های مهاجرتی $\frac{p_t + n}{p_t} = (1 + r)$

۳) شهرهای مهاجرفرست $\frac{p_t + n}{p_t} < (1 + r)$

1. small towns

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

با توجه به این‌که در فرمول‌های بالا $p_t + n$ تعداد جمعیت در پایان دهه، p_t جمعیت در آغاز دهه و r نرخ رشد جمعیت در آن دهه می‌باشد؛ در این برآورد چنان‌چه $\frac{p_t + n}{p_t}$ بزرگ‌تر از (r+) باشد، شهر مورد بررسی مهاجرپذیر بوده و اگر $\frac{p_t + n}{p_t}$ برابر با (۱+r) باشد، شهر مورد مطالعه به دور از جریان‌های مهاجرتی است و در صورتی که $\frac{p_t + n}{p_t}$ کوچک‌تر از (۱+r) باشد، شهر مورد نظر مهاجرفرست خواهد بود.

در نهایت، شهرهای ایران طبق جدول شمارهٔ ۱ به شش گروه جمعیّتی طبقه‌بندی (ضرّابی، ۱۳۷٤ و ۱۳۷۵) و وضعیت مهاجرپذیری و مهاجرفرستی شهرهای کشور در دو سطح فرامنطقه‌ای[1] و درون‌منطقه‌ای[2] تحلیل شده است.

جدول ۱: طبقه‌بندی جمعیتی شهرهای ایران

گروه‌های جمعیّتی شهرها	۱۳۷۵		۱۳۸۵	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد
شهرهای بسیارکوچک (کم‌تر از ۲۰ هزار نفر)	۳۷۳	٦۰/۹۵	۷۱۸	۷۰/۹۵
شهرهای کوچک[3] (۲۰ هزار تا ۱۰۰ هزار نفر)	۱۸۳	۲۹/۹	۲۱٤	۲۱/۱٤
شهرهای متوسط[4] (۱۰۰ هزار تا ۵۰۰ هزار نفر)	٤۷	۷/٦۷	٦۷	٦/٦۲
شهرهای درجه دوم[5] (۵۰۰ هزار تا یک میلیون نفر)	٤	۰/٦٦	۷	۰/٦۹
شهرهای بزرگ[6] (یک تا دو میلیون و پانصد هزار نفر)	٤	۰/٦٦	۵	۰/۵
متروپلیتن‌ها[7] (بیش از دو میلیون و پانصد هزار نفر)	۱	۰/۱٦	۱	۰/۱
مجموع	٦۱۲	۱۰۰	۱۰۱۲	۱۰۰

مأخذ: مطالعات نگارندگان.

1. intraregional 2. interregional 3. small cities 4. medium cities
5. secondary cities 6. large cities 7. metropolitans

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

یافته‌ها

تحلیل فرامنطقه‌ای روند مهاجرپذیری و مهاجرفرستی شهرهای ایران

در تحلیل فرامنطقه‌ای، وضعیت مهاجرپذیری و مهاجرفرستی کل شهرهای ایران مد نظر است. بر این اساس، در دهۀ ۷۵ -۱۳۶۵ از ۶۱۲ شهر ایران ٤٣٤ شهر (۷۰/۹۱ درصد) مهاجرپذیر، ۲ شهر نشتارود و خاوران (۰/۳۳ درصد) به دور از جریان‌های مهاجرتی و ۱۷٦ شهر (۲۸/۷٦ درصد) مهاجرفرست است. در این دهه متوسط نرخ مهاجرپذیری شهرهای ایران برابر با ۸۲/۲ است. بالاترین درجۀ مهاجرپذیری با ضریب ۳۳۹۹٦/۲۲ مربوط به آبادان و پایین‌ترین درجۀ مهاجرپذیری با ضریب ۰/۰۱ مربوط به شهرهای ماسال، ممقان، زواره، رودسر، مهاباد، طبس، وزوان، تربت جام، واجارگاه، قائمیه، کیاسر و فیروزکوه است. در این دهه ضریب مهاجرپذیری در شهرهای آبادان و گیلانغرب بالاتر از حد متوسط و در ٤٣٢ شهر ایران کم‌تر از حد متوسط می‌باشد. در دهۀ ۸۵ -۱۳۷۵ درصد مهاجرپذیری شهرهای ایران افزایش یافته و درصد مهاجرفرستی آن‌ها کاهش پیدا کرده است؛ به گونه‌ای که از ۱۰۱۲ شهر ایران ۸۷۳ شهر (۸٦/۲۷ درصد) مهاجرپذیر، ۱۱ شهر (۱/۱ درصد) به دور از جریان‌های مهاجرتی و ۱۲۸ شهر (۱۲/٦۵ درصد) مهاجرفرست است. در این دهه شدّت مهاجرپذیری شهرهای ایران کاهش یافته و متوسط ضریب مهاجرپذیری شهرها به ۰/٦۵ رسیده است. بالاترین درجۀ مهاجرپذیری با ضریب ۹۱/۹۳ مربوط به روداب و پایین‌ترین درجه با ضریب ۰/۰۱ مربوط به شهرهای کوچک و بسیارکوچک رودسر، بستان، خرّم‌آباد (استان مازندران)، سریش‌آباد، قاضی، لشت‌نشاء، یاسوکند، رباط، مریانج، هشتجین، دالکی، انبارآلوم و بیارجمند است. در دهۀ مذکور ضریب مهاجرپذیری شهرها تعدیل یافته و در ۱۱۵ شهر کشور بالاتر از حد متوسط، در شهرهای صاحب، جیرفت و عنبران برابر با حد متوسط و در ۷۵۵ شهر ایران کم‌تر از حد متوسط است.

همان‌گونه که در بالا ذکر شد، در سال‌های مورد مطالعه ضریب مهاجرفرستی شهرها کاهش پیدا کرده است. متوسط ضریب مهاجرفرستی شهرهای ایران از ۰/۳۱- در سال‌های

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

۷۵ –۱۳٦۵ به ۰/۱٤– در سال‌های ۸۵ –۱۳۷۵ رسیده است. در دههٔ ۷۵ –۱۳٦۵ خرّمشهر به دلیل وقوع جنگ تحمیلی با ضریب ۱/٤۵– بالاترین درجهٔ مهاجرفرستی شهرهای کشور را به خود اختصاص داده و شهرهای سعادت‌شهر، باغ‌ملک، سیس و کنارک با ضریب ۰/۰۱– پایین‌ترین درجهٔ مهاجرفرستی را دارا هستند. در این دهه متوسط نرخ مهاجرفرستی در ٦۲ شهر بیش از حد متوسط، در شهرهای دانسفهان، مشهد، قیروکارزین و قوچان برابر با حد متوسط و در ۱۱۰ شهر کم‌تر از حد متوسط است. در دههٔ ۸۵ –۱۳۷۵ شدت مهاجرفرستی شهرهای کشور کاهش یافته، بالاترین درجهٔ مهاجرفرستی با ضریب ۰/٦۹– مربوط به شهرهای سیمینه و جوادآباد و پایین‌ترین درجه با ضریب ۰/۰۱– مربوط به شهرهای کوچک و بسیارکوچک هفتگل، خوانسار، گهرو، کوچصفهان، ازندریان، کلوانق، مهاباد، قوشچی، گوگد، طاقانک، راور، وایقان و دهق است. در این دهه متوسط نرخ مهاجرفرستی در ۳٦ شهر بیش از حد متوسط، در شهرهای دمق، سرکان، رفیع و نودشه برابر با حد متوسط و در ۸۸ شهر کم‌تر از حد متوسط است.

تحلیل درون‌منطقه‌ای روند مهاجرپذیری و مهاجرفرستی شهرهای ایران

شهرهای بسیارکوچک

در دههٔ ۷۵ –۱۳٦۵ از ۳۷۳ شهر بسیارکوچک ایران، ۲۵٤ شهر (٦۷/۷۱ درصد) مهاجرپذیر، ۱۱۸ شهر (۳۱/۷٦ درصد) مهاجرفرست و شهرهای نشتارود و خاوران (۰/۵۳ درصد) به دور از جریان‌های مهاجرتی بوده‌اند. در این دوره متوسط نرخ مهاجرپذیری شهرهای بسیارکوچک برابر با ۵/۸۷ بوده، در حالی که متوسط کل کشور برابر با ۸۲/۲ می‌باشد. بالاترین درجهٔ مهاجرپذیری با ضریب ۸۵/۹۵ مربوط به گیلانغرب و شهرهای فیروزکوه، کیاسر، واجارگاه، وزوان، مهاباد، زواره، ممقان و ماسال با ضریب ۰/۱ کمترین درجهٔ مهاجرپذیری را بین شهرهای بسیارکوچک ایران دارا هستند. طی سال‌های ۷۵ – ۱۳٦۵ شهرهای گیلانغرب، جزایر ابوموسی و خارک و حسن‌آباد در استان تهران، بیش از

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

حد متوسط مهاجرین را به سمت خود جذب نموده‌اند. در دهۀ ۸۵ -۱۳۷۵ درصد شهرهای بسیارکوچک مهاجرپذیر افزایش یافته و از ٦٧/٧١ درصد در سال‌های ۷۵ -۱۳٦۵ به ۸۱/۷۵ درصد در دهۀ ۸۵ -۱۳۷۵ رسیده است. به عبارت دیگر در دهۀ اخیر از ۷۱۸ شهر بسیارکوچک ایران، ۵۸۷ شهر مهاجرپذیر هستند. در این دهه، ۱۲۰ شهر (١٦/٧١ درصد) مهاجرفرست و ۱۱ شهر (١/٥٤ درصد) شامل شهرهای طالخونچه، خراجو، کومله، راین، عسگران، جوپار، جیرنده، نافج، جوشقان و کامو، نوخندان و دهاقانبه به دور از جریان‌های مهاجرتی می‌باشند. در این دوره متوسط نرخ مهاجرپذیری شهرهای بسیارکوچک برابر با ۰/٦٨ است که نسبت به متوسط کل کشور اندکی افزایش نشان می‌دهد. بالاترین درجۀ مهاجرپذیری با ضریب ۹۱/۹۳ مربوط به روداب و شهرهای بستان، خرّم‌آباد، سریش‌آباد، قاضی، لشت‌نشاء، یاسوکند، رباط، مریانج، هشتجین، دالکی، انبارآلوم و بیارجمند با ضریب ۰/۱ کم‌ترین درجۀ مهاجرپذیری را بین شهرهای بسیارکوچک ایران دارا هستند. طی سال‌های مذکور ۹۱ شهر از شهرهای بسیارکوچک، بیش از حد متوسط مهاجرین را به سمت خود جذب نموده‌اند.

ارقام بالا نشان‌دهندۀ کاهش چشم‌گیر مهاجرفرستی شهرهای بسیارکوچک کشور است. در طول دو دهۀ مورد مطالعه، درصد شهرهای بسیارکوچک مهاجرفرست ایران از ۳۱/۷٦ درصد در سال‌های ۷۵ -۱۳٦۵ به ١٦/٧١ درصد در دهۀ ۸۵ -۱۳۷۵ تنزل یافته است. در سال‌های ۷۵ -۱۳٦۵ متوسط نرخ مهاجرفرستی شهرهای بسیارکوچک، ۰/۲٦- بوده که ۰/۰۵- کم‌تر از نرخ مهاجرفرستی کل شهرهای کشور است. بیشترین نرخ مهاجرفرستی با ضریب ۰/۸۵- مربوط به سومار (به دلیل شرایط بحرانی ناشی از جنگ) و پایین‌ترین نرخ با ضریب ۰/۰۱- به شهرهای کنارک، سیس، باغ‌ملک و سعادت‌شهر اختصاص داشته است. در این دوره ضریب مهاجرفرستی در ٤٥ شهر بسیارکوچک ایران بیش از حد متوسط و در ۱۰۹ شهر کم‌تر از حد متوسط بوده است. در سال‌های ۸۵ -۱۳۷۵ متوسط نرخ مهاجرفرستی در شهرهای بسیارکوچک حدود ۵۰ درصد کاهش یافته و به رقم ۰/۱٤-

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

رسیده است. در این دهه بالاترین درجهٔ مهاجرفرستی با شدّتی کمتر (۰/۶۹-) مربوط به شهرهای سیمینه و جوادآباد و کم‌ترین درجه با ضریب ۰/۰۱- به شهرهای هفتگل، گهرو، کوچصفهان، ازندریان، کلوانق، مهاباد، قوشچی، گوگد، طاقانک، وایقان و دهق اختصاص دارد. در این دوره ضریب مهاجرفرستی در ۳۹ شهر بسیارکوچک بیش از حد متوسط و در ۸۱ شهر کم‌تر از حد متوسط است.

شهرهای کوچک

طبق بررسی‌های نگارندگان، در دههٔ ۷۵ -۱۳۶۵ از ۱۸۳ شهر کوچک ایران، ۱۳۲ شهر (۷۲/۱۳ درصد) مهاجرپذیر و ۵۱ شهر (۲۷/۸۷ درصد) مهاجرفرست بوده‌اند. در این دوره متوسط نرخ مهاجرپذیری شهرهای کوچک برابر با ۱/۱۲ است. بالاترین درجهٔ مهاجرپذیری با ضریب ۷۳/٦٤ مربوط به محمّدیه در استان تهران و کم‌ترین درجه با ضریب ۰/۰۱ مربوط به شهرهای رودسر، طبس، تربت جام و قائمیه است. در این دهه شهرهای محمّدیه، مریوان، ملارد، اکبرآباد، نظرآباد، بانه، پاکدشت، اقبالیه، پیرانشهر و یاسوج بیش از حد متوسط مهاجرپذیر بوده‌اند. در دههٔ ۸۵ -۱۳۷۵، شهرهای کوچک نسبت به دههٔ قبل از مهاجرپذیری بیش‌تری برخوردار بوده، به طوری که از ۲۱٤ شهر کوچک ایران، ۲۰۷ شهر (۹٦/۷۲ درصد) مهاجرپذیر و ۷ شهر (۳/۲۸ درصد) مهاجرفرست هستند. در این دوره متوسط نرخ مهاجرپذیری شهرهای کوچک برابر با ۰/۳۱ است که در مقایسه با دههٔ قبل (۱/۱۲) شدّت کم‌تر مهاجرپذیری آن‌هارا نشان می‌دهد. بالاترین درجهٔ مهاجرپذیری با ضریب ٤/۲۹ مربوط به محمّدیه در استان تهران و کم‌ترین درجه با ضریب ۰/۰۱ مربوط به رودسر است. طی دههٔ ۸۵ -۱۳۷۵، ٦٤ شهر کوچک (۲۹/۹ درصد) بیش از حد متوسط مهاجرپذیر بوده‌اند.

ارقام بالا بیان‌گر افزایش سهم و درصد شهرهای کوچک مهاجرپذیر و کاهش تعداد شهرهای کوچک مهاجرفرست در نظام شهری کشور است. به‌گونه‌ای که در دههٔ ۷۵ -

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

۱۳٦۵ متوسط نرخ مهاجرفرستی شهرهای کوچک، ۰/۲۹- بوده و در دهۀ ۸۵ -۱۳۷۵ به ۰/۰٦- رسیده است. در دهۀ ۷۵ -۱۳٦۵ بیش‌ترین نرخ مهاجرفرستی با ضریب ۰/۷۲- مربوط به لاهیجان و کم‌ترین درجه با ضریب ۰/۰۲- به شوشتر اختصاص دارد. در این دوره ضریب مهاجرفرستی در ۲۵ شهر کوچک ایران بیش از حد متوسط و در ۲٤ شهر کم‌تر از حد متوسط است. در دهۀ ۸۵ -۱۳۷۵ بالاترین نرخ مهاجرفرستی با ضریب ۰/۲۳- مربوط به خلخال و کم‌ترین نرخ با ضریب ۰/۰۱- مربوط به خوانسار و راور است. در این دهه ضریب مهاجرفرستی در شهرهای فومن (۰/۰۹-) و خلخال بیش از حد متوسط، هرسین برابر با حد متوسط (۰/۰٦-) و کنگاور و آران و بیدگل (۰/۰۲-) کم‌تر از حد متوسط است.

شهرهای متوسط

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، در دهۀ ۷۵ -۱۳٦۵ از ٤۷ شهر متوسط کشور، ۳۸ شهر (۸۰/۸۵ درصد) مهاجرپذیر و ۹ شهر (۱۹/۱۵ درصد) مهاجرفرست هستند. در دورۀ مذکور متوسط نرخ مهاجرپذیری شهرهای متوسط، ۸۹٤/۹۸ بوده است. دلیل نرخ بالای مهاجرپذیری شهرهای متوسط، رشد جمعیتی چشم‌گیر آبادان است که جمعیت آن از ٦ نفر در سال ۱۳٦۵ به ۲۰۳۹۸۵ نفر در سال ۱۳۷۵ افزایش یافته است. در این دهه کم‌ترین نرخ مهاجرپذیری با ضریب ۰/۰۷ مربوط به مرودشت است. در دهۀ ۸۵ -۱۳۷۵ از ٦۷ شهر متوسط کشور، ٦٦ شهر (۹۸/۵ درصد) مهاجرپذیر بوده که مهاجرپذیری بسیار زیاد شهرهای متوسط را نشان می‌دهد و یک شهر (۱/۵ درصد) مهاجرفرست است. در این دوره متوسط نرخ مهاجرپذیری شهرهای متوسط، ۱/٤۹ است. بالاترین درجۀ مهاجرپذیری با ضریب ۷٤/۰۱ مربوط به نسیم‌شهر و کم‌ترین نرخ مهاجرپذیری با ضریب ۰/۰٦ مربوط به بروجرد است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

در دههٔ گذشته شهرهای متوسط کشور با جریان‌های مهاجرفرستی مواجه بوده، در حالی که در دههٔ اخیر این شهرها به دور از جریان‌های مهاجرفرستی قرار داشته و فقط یک شهر از ٦٧ شهر متوسط کشور با جریان‌های مهاجرفرستی مواجه است. در دههٔ ۷۵ –۱۳٦۵ متوسط نرخ مهاجرفرستی در شهرهای متوسط، ۰/۲٦– بوده که اندکی کم‌تر از مهاجرفرستی کل شهرهای کشور است. بالاترین درجهٔ مهاجرفرستی با ضریب ۰/۵۱– مربوط به مسجد سلیمان و کم‌ترین درجه با ضریب ۰/۱۷– مربوط به دزفول است. در این دوره ضریب مهاجرفرستی در ۲ شهر متوسط ایران (مسجد سلیمان و قزوین) بیش از حد متوسط و در شهرهای یزد، گنبد کاووس، کرمان، ایلام، سیرجان و دزفول کم‌تر از حد متوسط است. در دههٔ ۸۵ –۱۳۷۵ مسجد سلیمان با ضریب ۰/۰۵– تنها شهر متوسط مهاجرفرست ایران است.

شهرهای درجه دوم

شهرهای درجه دوم، بزرگ و متروپلیتن تهران، تنها گروه‌های شهری مهاجرپذیر در نظام شهری کشور هستند که در دههٔ اخیر با جریان‌های مهاجرپذیری روبه‌رو هستند. در دههٔ ۷۵ –۱۳٦۵ شهرهای درجه دوم کشور شامل کرج، اهواز، قم و کرمانشاه است. در این دهه متوسط نرخ مهاجرپذیری در شهرهای درجه دوم، ۰/۷۱ است. در بین شهرهای مذکور، کرج با ضریب ۲/۲۵ به دلیل نزدیکی به تهران، از بالاترین درجهٔ مهاجرپذیری برخوردار است. پس از کرج، قم به دلیل موقعیت زیارتی ـ مذهبی با ضریب ۰/۳۸، کرمانشاه به علت موقعیت نظامی و استقرار مراکز نظامی با ضریب ۰/۱۹ و اهواز به دلیل استقرار صنایع و پالایشگاه‌های نفت و گاز و وجود زمینه‌های اشتغال در صنایع مختلف با ضریب ۰/۰۲ دارای مهاجرپذیری هستند. در دههٔ ۸۵ –۱۳۷۵ از شدّت مهاجرپذیری شهرهای درجه دوم کاسته شده و متوسط نرخ مهاجرپذیری این شهرها به ۰/۲۸ رسیده است. در این دهه بالاترین درجهٔ مهاجرپذیری با ضریب ۰/۳۸ مربوط به کرمان است. پس از کرمان به ترتیب

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

زاهـدان (۰/۳۵)، ارومیـه (۰/۳۳)، رشـت (۰/۳۲)، اهـواز (۰/۲۲)، قـم (۰/۲۱) و کرمانـشاه (۰/۱۵) مهاجرپذیر هستند.

شهرهای بزرگ

در دهۀ ۷۵ -۱۳٦۵ متوسط نرخ مهاجرپذیری شهرهای بزرگ ۰/۲۱ است. بـالاترین درجـۀ مهاجرپذیری شهرهای بزرگ با ضریب ۰/۲٤ مربوط به اصفهان، و تبریز با ضریب ۰/۱۹ در ردۀ بعدی قرار دارد. در ایـن دهـه شـیراز بـا ضـریب ۰/٤۷- و مـشهد بـا ضـریب ۰/۳۱- شهرهای بزرگ مهاجرفرست کشور هستند.

در دهۀ ۸۵ -۱۳۷۵ کرج نیز به ردیف شهرهای بزرگ کشور مـی‌پیونـدد. در ایـن دهـه مهاجرپذیری شهرهای بزرگ شدّت یافته و متوسط نرخ مهاجرپذیری ایـن شـهرها از رقـم ۰/۲۱ در دهۀ قبل به رقم ۰/۲۸ در دهۀ اخیر رسـیده اسـت. در ایـن دهـه بـالاترین درجـۀ مهاجرپذیری با ضریب ۰/٤۵ مربوط به کرج است. قرارگیری کـرج در مجـاورت تهـران و جذب سرریز جمعیتی آن به دلیل اختصاص امکانات و خدمات مناسب، موجـب شـده تـا کرج از بالاترین ضریب مهاجرپذیری در بین شهرهای بزرگ کشور برخوردار شود. پس از کـرج بـه ترتیـب شـهرهای مـشهد (۰/۲۷)، اصـفهان (۰/۲٦) و تبریـز و شـیراز (۰/۱۷) مهاجرپذیر هستند.

متروپلیتن تهران

موقعیت سیاسی ـ اقتصادی تهران در اقتصاد بین‌المللی و تمرکز سیاسی، اداری و اقتـصادی آن موجب شده تا بسیاری از مهاجران کشور، تهران را به عنوان مقـصد مهـاجرت خـویش انتخاب نمایند. بر این اساس، در طول سال‌های ۷۵ -۱۳٦۵ تهران به عنوان تنها متـروپلیتن کشور با ضریب ۱/۰۱ مهاجرپذیر است. در دهۀ ۸۵ -۱۳۷۵ مهاجرپذیری متروپلیتن تهـران متعادل‌تر شده و به رقم ۰/۱٦ رسیده است. افزایش شدّت مهاجرپـذیری شـهرهای بـزرگ،

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

آلودگی‌های زیست‌محیطی (هوا، صوت و ...)، تراکم شدید ترافیک و ... موجب شده تا تهران از رشد جمعیتی کم‌تری در این دهه برخوردار شود.

طبقه‌بندی مهاجرتی شهرها

در پی اتخاذ تصمیم مهاجرین برای مهاجرت، پیامدهای مثبت و منفی مختلفی برای شهرها قابل تصور است. طبقه‌بندی شهرها از نظر شناخت شهرهایی که تحت تأثیر این پیامدها قرار می‌گیرند، حائز اهمیت است.

برای طبقه‌بندی شهرهای کشور پس از مشخص شدن شهرهای مهاجرپذیر و مهاجرفرست، با اعمال حد متوسط درجهٔ مهاجرپذیری و مهاجرفرستی شهرها، آن‌ها را به چهار گروه طبقه‌بندی نموده‌ایم. بر این اساس در دههٔ ۷۵ -۱۳٦۵ متوسط درجهٔ مهاجرپذیری و مهاجرفرستی شهرهای ایران به ترتیب ۰/٦۷ و ۰/۳۳- بوده است.[1] این نسبت در دههٔ ۸۵ -۱۳۷۵ به ۰/٤٦ و ۰/۳۲- تغییر یافته است. بنابراین شهرهایی که درجهٔ مهاجرپذیری یا مهاجرفرستی آن‌ها بالاتر از ارقام مذکور بوده، شهرهای با مهاجرپذیری یا مهاجرفرستی شدید و سایر شهرها به عنوان شهرهای با مهاجرپذیری و یا مهاجرفرستی ضعیف قلمداد می‌شوند.

در دههٔ ۷۵ -۱۳٦۵ تمام گروه‌های شهری کشور با مهاجرپذیری مواجه بوده‌اند (جدول شمارهٔ ۲). در این دهه شهرهای بسیارکوچک، کوچک، متوسط و شهرهای بزرگ با مهاجرفرستی مواجه هستند.

۱ـ در این دهه شهرهای آبادان و گیلانغرب با ارقام ۳۳۹۹٦/۲۲ و ۱۳۸۵/۹۵ به دلیل وقوع جنگ تحمیلی، در سال ۱۳٦۵ خالی از سکنه و در سال ۱۳۷۵ با جمعیت‌پذیری شدید مواجه بوده‌اند. لذا شهرهای مذکور از مجموعه شهرهای کشور در دههٔ ۷۵ -۱۳٦۵ حذف و سپس حد متوسط مهاجرپذیری شهرهای کشور محاسبه شده است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

جدول ۲: طبقه‌بندی مهاجرتی شهرهای ایران (۷۵ -۱۳٦۵)

منبع تغییرات			نوع شهر					
			بسیارکوچک	کوچک	متوسط	درجه دوم	بزرگ	متروپلیتن
طبقه‌بندی مهاجرتی	مهاجرپذیری شدید	تعداد	۳۵	۱۹	۵	۱	۰	۰
		درصد	۹/٤	۱۰/٤	۱۰/٦	۲۵	۰	۰
	مهاجرپذیری ضعیف	تعداد	۲۲۲	۱۱۳	۳۳	۳	۲	۱
		درصد	۵۹/۸	٦۱/۷	۷۰/۲	۷۵	۵۰	۱۰۰
	مهاجرفرستی شدید	تعداد	۳۷	۲۱	۳	۰	۱	۰
		درصد	۱۰	۱۱/۵	٦/٤	۰	۲۵	۰
	مهاجرفرستی ضعیف	تعداد	۷۷	۳۰	٦	۰	۱	۰
		درصد	۲۰/۸	۱٦/٤	۱۲/۸	۰	۲۵	۰

مأخذ: مطالعات نگارندگان.

در دهۀ ۸۵ -۱۳۷۵ از مهاجرفرستی شدید شهرهای کوچک و متوسط کاسته شده و فقط شهرهای بسیارکوچک با مهاجرفرستی شدید مواجه هستند (جدول شمارۀ ۳). شهرهای سیمینه، جوادآباد، سرخنکلاته، گلوگاه، سرخرود، بره‌سر، نوده خاندوز، منظریه، رانکوه، شهر جدید هشتگرد، واجارگاه، سفیدشهر، آیسک، دستجرد، مراوه و صباشهر شهرهای دارای مهاجرفرستی شدید را شامل می‌شوند. در این دهه ۱۷۱ شهر (۱۷/۰۸ درصد) شامل ۱۳۵ شهر بسیارکوچک، ۲٦ شهر کوچک و ۱۰ شهر متوسط دارای مهاجرپذیری شدید می‌باشند. ۷۰۲ شهر (۷۰/۱۳ درصد) شامل ٤۵۲ شهر بسیارکوچک، ۱۸۱ شهر کوچک، ۵٦ شهر متوسط، ۷ شهر درجه دوم، ۵ شهر بزرگ و متروپلیتن تهران با مهاجرپذیری ضعیف مواجه هستند. ۱٦ شهر بسیارکوچک (۱/٦ درصد) دارای مهاجرفرستی شدید و ۱۱۲ شهر (۱۱/۱۹ درصد) شامل ۱۰٤ شهر بسیارکوچک، ۷ شهر کوچک و ۱ شهر متوسط دارای مهاجرفرستی ضعیف هستند.[۱]

۱- به دلیل افزایش حجم مقاله، طبق نظر دفتر فصلنامه از ذکر نام و ضریب مهاجرپذیری یا مهاجرفرستی شهرهای کشور خودداری شده است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

جدول ۳: طبقه‌بندی مهاجرتی شهرهای ایران (۸۵ -۱۳۷۵)

منبع تغییرات			نوع شهر					
			بسیارکوچک	کوچک	متوسط	درجه دوم	بزرگ	متروپلیتن
طبقه‌بندی مهاجرتی	مهاجرپذیری شدید	تعداد	۱۳۵	۲۶	۱۰	۰	۰	۰
		درصد	۱۹/۱	۱۲/۱	۱۴/۹	۰	۰	۰
	مهاجرپذیری ضعیف	تعداد	۴۵۲	۱۸۱	۵۶	۷	۵	۱
		درصد	۶۳/۹	۸۴/۶	۸۳/۶	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
	مهاجرفرستی شدید	تعداد	۱۶	۰	۰	۰	۰	۰
		درصد	۲/۳	۰	۰	۰	۰	۰
	مهاجرفرستی ضعیف	تعداد	۱۰۴	۷	۱	۰	۰	۰
		درصد	۱۴/۷	۳/۳	۱/۵	۰	۰	۰

مأخذ: مطالعات نگارندگان.

از طبقه‌بندی فوق می‌توان چنین نتیجه گرفت که شهرهای با مهاجرپذیری شدید از قابلیت جذب بالایی برای پذیرش مهاجرین برخوردار هستند. این‌گونه شهرها را می‌توان شهرهایی قلمداد نمود که از حیث شاخص‌های توسعه در بالاترین سطح قرار دارند. به عبارت دیگر سطح اشتغال، مسکن و خدمات و تسهیلات رفاهی در شهرهای مذکور بالا بوده و شهرهای با مهاجرپذیری ضعیف، با در اختیار داشتن سهم کمتری از امکانات اقتصادی، اجتماعی و ... کم‌ترین جذابیت را برای مهاجرین داشته‌اند. شهرهای با مهاجرفرستی شدید، شهرهای بسیارکوچک ایران هستند که از حیث شاخص‌های توسعه در پایین‌ترین سطح قرار گرفته‌اند. این شهرها اکثراً روستاهایی هستند که بدون توجه به ضابطهٔ جمعیتی به شهر تبدیل شده و نیازمند توجه بیش‌تری نسبت به سایر شهرهای کشور می‌باشند. شهرهای با مهاجرفرستی ضعیف نیز از نظر توسعه دارای وضعیت مناسبی نمی‌باشند و نیازمند برخورداری از امکانات و تسهیلات هستند.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

به منظور تعدیل در جریان‌های مهاجرتی کشور و کاهش اختلاف بین شهرها، لازم است شهرهای کشور از نظر برنامه‌ریزی توسعۀ فضایی اولویت‌بندی شوند. بر این اساس، در مرحلۀ اول توسعۀ شهرهای بسیارکوچک (شهرهای با مهاجرفرستی شدید) امری ضروری است و اولویت اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه در این شهرها، از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. در مرحلۀ بعدی، توجه همزمان به شهرهای با مهاجرفرستی ضعیف و مهاجرفرستی شدید ضروری به نظر می‌رسد. شهرهای با مهاجرپذیری ضعیف به همراه شهرهای با مهاجرفرستی ضعیف و شدید باید در مرحلۀ بعدی توسعه قرار گیرند. نهایتاً توسعۀ فضایی تمام شهرهای کشور حائز اهمیت است. به این ترتیب کاهش عدم تعادل شهرهای ایران به صورت سلسله مراتبی و بر مبنای نظم فضایی محقق خواهد شد. در غیر این صورت نه تنها مهاجرپذیری شهرهای متوسط، درجه دوم، بزرگ و متروپلیتن تهران کاهش پیدا نکرده بلکه در صورت عدم تأمین نیازهای مهاجران، ناهنجاری‌های اقتصادی- اجتماعی مختلف مانند کمبود مسکن، کمبود اشتغال، نارسایی خدمات شهری و ... در این شهرها تشدید خواهد شد. علاوه بر این، شهرهای بسیارکوچک و کوچک کشور نیز با جریان‌های مهاجرفرستی شدیدتری مواجه خواهند گردید.

بحث و نتیجه‌گیری

در کشورهای در حال توسعه به دلیل ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ناکارآمد، مهاجرت امری اجتناب‌ناپذیر بوده و اکثر شهرهای جهان سوم تحت تأثیر جریان‌های مهاجرتی قرار دارند. در پژوهش حاضر، روند مهاجرپذیری و مهاجرفرستی شهرهای ایران طی سال‌های ۸۵ -۱۳۶۵ مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت.

نتایج این پژوهش حاکی از آن است که در طول دو دهۀ مورد مطالعه، مهاجرپذیری در سیستم شهری کشور افزایش پیدا کرده است. به‌گونه‌ای که در دهۀ ۷۵- ۱۳۶۵ حدود ۷۱ درصد شهرهای کشور مهاجرپذیر بوده‌اند؛ در حالی که در دهۀ اخیر درصد شهرهای

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

مهاجرپذیر به ۸۶/۲۷ درصد رسیده است. به عبارت دیگر درصد شهرهای مهاجرپذیر حدود ۱۵ درصد افزایش را نسبت به دههٔ قبل نشان می‌دهد. در بین گروه‌های شهری کشور، شهرهای متوسط مهاجرپذیری بیش‌تری داشته و ۸۰/۸۵ درصد این‌گونه شهرها مهاجرپذیر هستند. پس از شهرهای متوسط به ترتیب شهرهای کوچک و درجه دوم، از درصد مهاجرپذیری بالاتری برخوردار هستند. شهرهای کوچک به دلیل مهاجرت‌های روستایی- شهری و تبدیل روستاهای پرجمعیت به شهرها و شهرهای درجه دوم به علت وجود زمینه‌های اشتغال و امکانات و تجهیزات فراوان، با جریان‌های مهاجرپذیری مواجه هستند. در دههٔ ۷۵ -۱۳۶۵ شهرهای درجه دوم (کرج، قم، اهواز و کرمانشاه) مهاجرپذیر بوده و در دههٔ ۸۵ -۱۳۷۵ کرج در ردیف شهرهای بزرگ قرار گرفته و بالاترین ضریب مهاجرپذیری این گروه از شهرها را به خود اختصاص داده است. در این دهه در میان ۷ شهر درجه دوم کشور، اهواز با ضریب مهاجرپذیری بیش‌تری نسبت به شهرهای قم و کرمانشاه از مرتبهٔ چهارم به مرتبهٔ پنجم تنزل یافته و قم و کرمانشاه از مرتبهٔ دوم و سوم به مرتبهٔ ششم و هفتم تنزل پیدا کرده‌اند.

در دههٔ ۷۵ -۱۳۶۵ متوسط ضریب مهاجرپذیری شهرها ۸۲/۲ محاسبه شده، در حالی که در دههٔ اخیر به ۰/۶۵ رسیده است. با وجود این‌که در دههٔ ۷۵ -۱۳۶۵ بسیاری از شهرهای غرب کشور با جنگ تحمیلی درگیر بوده‌اند، لیکن جمعیت‌پذیری شدید شهرهای آبادان و گیلانغرب باعث شده تا نرخ مهاجرپذیری در این دهه افزایش قابل توجهی را نشان دهد. بررسی میانگین ضریب مهاجرپذیری گروه‌های شهری کشور حکایت از افزایش ضریب مهاجرپذیری در شهرهای بزرگ دارد. به‌گونه‌ای که ضریب مهاجرپذیری شهرهای بزرگ در دههٔ قبل ۰/۲۱ و در دههٔ اخیر به ۰/۲۸ رسیده است. شهرهای بزرگ به دلیل جذب خدمات اقتصادی و اجتماعی، نوعی عدم تجانس و واگرایی را در سطح ملی پدید آورده و باعث جذب مهاجرین به سمت خود گردیده‌اند.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

بر اساس یافته‌های پژوهش، ۲۸/۷۶ درصد شهرهای کشور در دهۀ ۷۵ -۱۳۶۵ با جریان‌های مهاجرفرستی مواجه بوده‌اند. بیش‌ترین ضریب مهاجرفرستی در این دهه به شهرهای جنگ‌زدۀ غرب کشور اختصاص دارد. در دهۀ ۸۵ -۱۳۷۵ مهاجرفرستی در سیستم شهری کشور کاهش پیدا کرده و تنها ۱۲/۶۵ درصد شهرها با جریان‌های مهاجرفرستی مواجه هستند. در بین گروه‌های شهری، بیش‌ترین درصد شهرهای مهاجرفرست به شهرهای بسیارکوچک اختصاص دارد؛ به‌گونه‌ای که ۱۶/۷۱ درصد شهرهای بسیارکوچک مهاجرپذیر هستند. این در حالی است که میانگین ضریب مهاجرفرستی در شهرهای بسیارکوچک و کوچک کاهش نشان می‌دهد. بیش‌ترین میزان کاهش ضریب مهاجرفرستی به شهرهای کوچک اختصاص دارد. لازم است به این نکته اشاره شود که بین گروه‌های شهری کشور، شهرهای درجه دوم، بزرگ و متروپلیتن تهران فاقد جریان‌های مهاجرفرستی بوده‌اند.

در نهایت می‌توان گفت، افزایش مهاجرپذیری شهرهای متوسط ضرورت توجه به این‌گونه از شهرها را در نظام شهری کشور مطرح می‌نماید. تجربه نشان داده است که هدایت سرمایه‌گذاری‌ها به سمت شهرهای متوسط، باعث ثبات منطقه‌ای می‌گردد و از هجوم بی‌رویۀ مهاجران به سمت شهرهای بزرگ جلوگیری می‌نماید. بنابراین، پراکنش صنایع از شهرهای بزرگ به سمت شهرهای متوسط، تقویت سرمایه‌گذاری‌ها و فراهم نمودن امکانات اقتصادی ـ اجتماعی و ... در این شهرها، باعث تقویت رابطۀ آن‌ها با شهرهای بزرگ و کوچک گردیده و با تقویت ارتباط شهرهای کوچک و متوسط با شهرهای بزرگ، تعادل در جریان‌های مهاجرتی ایجاد و از شدت مهاجرپذیری شهرهای بزرگ و متروپلیتن تهران کاسته خواهد شد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

منابع و مآخذ References

- آقاجانیان، اکبر. (۱۳٦۸)، «عمران روستایی و تـأثیر آن بـر کـاهش مهـاجرت از روستا به شهر»، در **نظریـات مهـاجرت** (بـه کوشـش عبـدالعلی لهـسائی‌زاده)، شیراز، انتشارات دانشگاه شیراز.
- ابراهیم‌زاده، عیسی. (۱۳۸۰)، «مهاجرت‌های روسـتایی و علـل و پیامـدهای آن، نمونه: استان سیستان و بلوچستان»، **فصلنامهٔ تحقیقات جغرافیایی**، شمارهٔ ٦۰.
- ابراهیم‌زاده، عیسی و یوسف نصیری. (۱۳۸٦)، «شهرنـشینی شـتابان؛ رونـدها و پیامدها»، **ماهنامهٔ اطّلاعات سیاسی ـ اقتصادی**، شمارهٔ ۲۳۸ –۲۳۷.
- پاپلی‌یزدی، محمّدحسین و حسین رجبی‌سناجردی. (۱۳۸۲)، **نظریه‌های شهر و پیرامون**، تهران، انتشارات سمت.
- تودارو، مایکل. (۱۳٦۷)، **مهاجرت‌های داخلی در کشورهای در حال توسـعه** (ترجمهٔ مصطفی سرمدی و پروین رئیسی‌فرد)، تهران، انتشارات مؤسسهٔ کـار و تأمین اجتماعی.
- جوان، جعفر. (۱۳۸۰)، **جغرافیـای جمعیّـت ایـران**، مـشهد، انتـشارات جهـاد دانشگاهی مشهد.
- حسامیان، فرخ؛ اعتماد، گیتی و محمّدرضا حائری. (۱۳۸۳)، **شهرنشینی مرحلـهٔ گذار**، تهران، نشر آگاه.
- زنجـانی، حبیـب‌الله. (۱۳۷۱)، **جمعیّـت و شهرنـشینی در ایـران**، جلـد اول: جمعیّت، چاپ دوم، تهران، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقـات شهرسـازی و معماری ایران.
- زنجانی، حبیب‌الله. (۱۳۸۰)، **مهاجرت**، تهران، انتشارات سمت.
- سازمان ملّی جوانان. (۱۳۸۱)، **بررسـی وضـعیت مهـاجرت جوانـان**، تهـران، انتشارات سازمان ملّی جوانان.
- شفقی، سـیروس؛ ضـرّابی، اصـغر و رحـیم‌بـردی آنـامرادنژاد. (۱۳۸۳)، «رونـد تحوّلات جمعیّت بندر ترکمن طی سال‌های ۷۵ –۱۳۳۵ و افق آیندهٔ آن»، **مجلـهٔ جغرافیا و توسعه**، شمارهٔ ۳.
- صرّافی، مظفّر. (۱۳۸۱)، «مهاجرت داخلی و مسألهٔ مدیریت شهری با تأکیـد بـر شرایط ایران»، **فصلنامهٔ مدیریت شهری**، شمارهٔ ۱۰.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

منابع و مآخذ References

- ضرّابی، اصغر. (۱۳۷٤)، «برنامه‌ریزی مسکن شهرهای ایران»، **فصلنامهٔ تحقیقات جغرافیایی**، شمارهٔ ۳۸.
- ضرّابی، اصغر. (۱۳۷۵)، «سطح اشتغال در شهرهای ایران و ساماندهی آن»، **مجلهٔ پژوهشی دانشگاه اصفهان (علوم انسانی)**، شمارهٔ ۸.
- طاهرخانی، مهدی. (۱۳۸۱ الف)، «بازشناسی عوامل مؤثر در مهاجرت‌های روستا- شهری با تأکید بر مهاجرت جوانان روستایی استان قزوین»، **فصلنامهٔ مدرس**، دورهٔ ٦، شمارهٔ ۲.
- طاهرخانی، مهدی. (۱۳۸۱ ب)، «تحلیلی بر عوامل مؤثر در مهاجرت‌های روستایی ـ شهری»، **فصلنامهٔ تحقیقات جغرافیایی**، شمارهٔ ٦۱.
- طاهرخانی، مهدی. (۱۳۸۲)، «توزیع جغرافیایی محصولات فرهنگی و نقش آن در مهاجرت جوانان روستایی (مطالعهٔ موردی: استان قزوین)»، **فصلنامهٔ پژوهش‌های جغرافیایی**، شمارهٔ ۳۵.
- عظیمی، ناصر. (۱۳۸۱)، «مهاجرت از روستا به شهر، نگاهی متفاوت»، **فصلنامهٔ مدیریت شهری**، شمارهٔ ۱۰.
- قرخلو، مهدی و کیومرث حبیبی. (۱۳۸۵)، «تحلیل مهاجرت در ارتباط با سطح توسعه‌یافتگی استان‌های کشور با استفاده از تکنیک‌های برنامه‌ریزی»، **فصلنامهٔ تحقیقات جغرافیایی**، شمارهٔ ۸۱.
- لهسائی‌زاده، عبدالعلی. (۱۳٦۸)، «دیدگاه‌های جامعه‌شناسی مهاجرت از روستا به شهر»، در **نظریات مهاجرت** (به کوشش عبدالعلی لهسائی‌زاده)، شیراز، انتشارات دانشگاه شیراز.
- مرتضوی تبریزی، مسعود. (۱۳۸۳)، **مهاجرت روستائیان به شهرها و تأثیرات اقتصادی ـ سیاسی آن در دوران پهلوی دوم**، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- مرکز آمار ایران. (۱۳٦۵)، **نتایج نهایی شهرهای ایران**، تهران، انتشارات مرکز آمار ایران.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۷۹)، **جمعیّت شهرهای ایران (۷۵ -۱۳۳۵)**، تهران، انتشارات مرکز آمار ایران.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]

منابع و مآخذ References

- مرکز آمار ایـران. (۱۳۸۵)، **گزیدهٔ اطّلاعات جمعیّتی سال ۱۳۸۵ کـل کـشور**، قابل دسترسی در: <www.sci.org.ir>.
- مشهدیزاده دهاقانی، ناصـر. (۱۳۷٤)، **تحلیلی از ویژگی‌های برنامه‌ریزی شهری در ایران**، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران.
- مکانیکی، جواد و سیّدحسن قالیبافان. (۱۳۸۲)، «اثرات مهاجرفرستی بر سـاختار جمعیّت مناطق روستایی (مطالعهٔ موردی: شهرستان بیرجند)»، **مجلهٔ جغرافیـا و توسعه**، شمارهٔ ۱.
- مهدوی، مسعود؛ قدیری‌معصوم، مجتبی و بهروز محمّدی‌یگانه. (۱۳۸۳)، «نقـش عوامل جغرافیای طبیعی در ناپایداری و مهاجرت‌های روستایی اسـتان زنجـان»، **فصلنامهٔ پژوهش‌های جغرافیایی**، شمارهٔ ٤۹.
- وارثی، حمیدرضا و زهتاب سروری. (۱۳۸۵)، «تحلیلی بر ارتباط متقابل توسعه، مهاجرت و شهرنشینی در ایران»، **مجلهٔ جغرافیا و توسعهٔ ناحیه‌ای**، شمارهٔ ٦.
- Hunt, L. G. (1993), "Equilibrium and Disequilibrium in Migration study Modeling", **Regional Study**, Vol. 27, No. 4.
- Knox, P. & Carthy, M. (2005), **Urbanization**, 2nd Edition, Pearson Education Ltd, London.
- Lall, S., Selod, H. & Shalizi, Z. (2006), **Rural- Urban Migration in Developing Countries: A Survey of Theoretical Predictions and Empirical Findings**, Development Research Group, the World Bank.
- Mendola, M. (2007), "Migration and technological change in rural households: Complements or substitutes?", **Journal of Development Economics**, No. 85.
- Parnwell, M. (1993), **Population movements and the third world**, London, Routledge.
- Weinstein, J, & Pillai, V. (2001), **Demography- The Science of Population**, Allyn and Bacon, United State of America.
- Zhigang, L.U. & Shunfeng, S. (2006), "Rural- urban migration and wage determination, the case of Tianjin", **Journal of China Economic Review**, No. 17.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-10-11]